



بررسی تالیفات درباره مهدویت در حوزه علمیه بغداد

پدیدآورده (ها) : رضوی، رسول

ادیان، مذاهب و عرفان :: مشرق موعود :: زمستان 1386 - شماره 4

از 99 تا 112

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/358051>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 24/02/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



بررسی تألیفات درباره مهدویت در حوزه علمیه بغداد

رسول رضوی*

چکیده

امام موسی کاظم علیه السلام که به شهادت رسید، برخی ایشان را همان مهدی موعود خواندند. آن گاه فرقه واقفیه به وجود آمد و حوزه علمیه کوفه دچار پریشانی گردید. افزون بر این، مهاجرت امام رضا علیه السلام به ایران و رونق یافتن حوزه علمیه قم با حضور شاگردان بزرگ امام رضا علیه السلام نیز از فروغ حوزه کوفه کاست.

حوزه علمیه بغداد در دوره غیبت صغری و سپس در آغازین دهه‌های غیبت کبری به قطب علمی شیعه بدل شد. حوزه بغداد، به دلیل حضور نایبان خاص امام مهدی علیه السلام و مهاجرت علمای قم و کوفه و اکثر مناطق به این شهر و حضور دولت نیرومند آل بویه رونق گرفت. عالمان بزرگی در این حوزه ظهور کردند که بیشتر آنان به دلیل هم‌زمانی با غیبت صغری و آغاز غیبت کبری امام مهدی علیه السلام اثر خاصی در این زمینه دارند. این مقاله با معرفی حوزه علمیه بغداد و علمای بزرگ آن، فهرستی کوتاه همراه با توضیحات لازم درباره نوشته‌های ایشان در زمینه مهدویت، ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی

حوزه بغداد، شیخ مفید، شیخ طوسی، مهدویت، غیبت، آل بویه، نایبان خاص.

مقدمه

منصور دوانقی که در سال ۱۳۶ قمری^۱ (چهار سال بعد از سقوط حکومت بنی امیه)^۲ به مقام خلافت رسید، خوب می دانست که دمشق پایتخت سنتی امویان و کوفه مرکز ثقل شیعیان، برای آن که پایتخت حکومت تازه تأسیس عباسیان باشد، گزینه مناسبی نیست. به همین دلیل منطقه جدیدی را در بین النهرین (جایی که رود دجله و فرات به هم نزدیک می شوند) انتخاب کرد و شهر بغداد را در اواسط قرن دوم هجری، بنیان نهاد.^۳ بغداد از همان ابتدای ساخته شدنش، پایتخت ممالک اسلامی شد و مزیت های بسیاری برای جذب دانش مندان و طالبان علم داشت. با وجود این، شهرهای کوفه و بصره که سال ها جزو مراکز علمی بزرگ عالم اسلام بودند، مانع تشکیل حوزه بزرگ در این شهر به حساب می آمدند. بعد از انتقال مرکز حکومت اسلامی در زمان حضرت علی علیه السلام از مدینه به کوفه، بزرگ ترین حوزه علمیه جهان اسلام در این شهر به وجود آمده بود و شهر بصره نیز که خاستگاه مکتب کلامی معتزله بود، در زمینه علوم حدیث، کلام، تفسیر، ادبیات و ... با کوفه رقابتی همیشگی داشت. با وجود جذابیت های سیاسی و اقتصادی بغداد، تبدیل شدن این شهر به مرکز علمی و تأسیس حوزه علمیه در آن، به دلیل وجود بصره و کوفه، سالیان درازی به تعویق افتاد.

تعیین تاریخ دقیق برای تأسیس حوزه علمیه بغداد، دشوار است؛ زیرا با آن که این شهر بعد از یافتن عنوان پایتختی ممالک اسلامی، محل رفت و آمد و حضور دانش مندان اسلامی بود، هنوز محور مدارس علمیه به حساب نمی آمد و تنها می توان اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم را سال های آغازین حوزه علمیه بغداد به شمار آورد. از این تاریخ به بعد اکثر دانش مندان بزرگ فرقه های اسلامی، کم کم در این شهر گرد آمدند و مدارس بزرگ را به وجود آوردند.

زندانی شدن امام کاظم علیه السلام در بغداد^۴ و حضور امام جواد علیه السلام در این شهر^۵، از یک سو و پیدایش فرقه واقفیه در حوزه علمیه کوفه که موجب روگردانی شیعیان از این حوزه شده بود، از سوی دیگر، از عوامل مهم اقبال شیعیان به بغداد و تأسیس حوزه علمیه این شهر بود. بنابراین می توان گفت: حضور اندیش مندان و طالبان شیعی در بغداد از اوایل قرن سوم شدت یافت و در اوایل قرن چهارم با به قدرت رسیدن دولت آل بویه و مهاجرت علمای بزرگ حوزه علمیه قم چون ابن قولویه، ثقة الاسلام کلینی و مسافرت بزرگانی چون شیخ صدوق و پدر گرامی اش بر رونق آن افزود.

در این مقاله سعی می شود به تالیفاتی که در باب مهدویت، از آغاز رونق حوزه بغداد تا پراکندگی عالمان در پی هجوم سلجوقیان نوشته شده اند، اشاره شود.

این دوره را که حدود دویست سال طول کشید، به چندین عصر می توان تقسیم کرد که هر کدام ویژگی های خاص خود را دارند:

زندانی شدن امام کاظم علیه السلام در بغداد و حضور امام جواد علیه السلام در این شهر، از یک سو و پیدایش فرقه واقفیه در حوزه علمیه کوفه که موجب روگردانی شیعیان از این حوزه شده بود.

الف) عصر نواب اربعه

بعد از سکونت اجباری امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام در شهر سامراء و محافظت از آنان، شبکه وکالت که از دوره امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام سرچشمه می گرفت، گسترش یافت، به گونه‌ای که رسیدگی به امور شیعیان بیشتر از طریق این شبکه صورت می پذیرفت. طبیعی بود که شرایط اقتصادی و سیاسی باعث شود تا شهر بغداد مرکز ثقل سازمان وکالت باشد. بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ قمری، عثمان بن سعید عمری که پیش از آن از وکلای امامان بود، نایب خاص امام مهدی علیه السلام گشت و بدین طریق سازمان وکالت به هدایت اولین نایب خاص تثبیت و به حیات خود ادامه داد. بعد از وی محمد بن عثمان بن سعید عمری، بنابر قولی از سال ۲۸۰ قمری^۶ تا سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ قمری عهده‌دار منصب نیابت خاص بود و چون وی درگذشت، حسین بن روح نوبختی، از تاریخ وفات وی تا سال ۳۲۶ قمری نایب خاص به شمار می آمد و چهارمین نایب خاص که آخرین نایب نیز بود، علی بن محمد سمری نام داشت. بعد از وفات وی در سال ۳۲۹ قمری،^۷ غیبت صغری به پایان آمد و با آغاز غیبت کبری هم نیابت خاص و هم سازمان وکالت از میان برداشته شد. نکته مهم در این موضوع تأثیر بسیار سازمان وکالت و به خصوص نایبان خاص در شکوفایی حوزه علمیه بغداد است که حتی حوزه پررونق قم را تابع خود ساخت.

در دوره نواب خاص، علاوه بر اهل سنت که مخالفان سنتی امامت بودند و واقفیه که بر موعود بودن امام کاظم علیه السلام اصرار داشتند، گروه سومی نیز با شیعه اثناعشر مخالفت کردند. این گروه که مدعیان نیابت و سفارت بودند، منکر امامان معصوم علیهم السلام نبودند، بلکه خود را نایب و سفیر امام دوازدهم، معرفی می کردند و عده‌ای از شیعیان را فریب می دادند و همراه می کردند. از معروف ترین آنها می توان به حسین ابومحمد شریعی، محمد بن نصیر نمیری، احمد بن هلال کرخی، محمد بن بلال بلالی، محمد بن احمد بن عثمان معروف به بغدادی و اسحاق احمر اشاره کرد.^۸

ظهور این مدعیان باعث شد که از ناحیه مقدسه، توقیعاتی صادر شود که بعدها در کتاب‌هایی به همین نام یا عناوین دیگر،

جمع‌آوری گردید و در موضوع مهدویت محور تألیفات تازه‌ای گشت.

از دیگر امور مهم دوره نواب چهارگانه، ظهور دولت‌های شیعی در ممالک مختلف اسلامی بود که مهم‌ترین آنها دولت فاطمیون در شمال افریقا است. این دولت که با ادعای مهدویت مهدی فاطمی تأسیس شد، اولین دولت اسلامی است که با ادعای مهدویت توانست، خلافتی را مستقل از خلافت بنی عباس بنیان نهد.

دومین دولت مهم در کرانه‌های غربی و جنوبی خلیج فارس و شبه جزیره عربستان به وجود آمد که خود را قرمطی می خواندند و همانند فاطمیون مصر، از فرقه اسماعیلیه به شمار می آمدند با این فرق که ادعای مهدویت برای خود نداشتند.

وضعیت در عراق عرب و فلات ایران فرق داشت؛ چراکه در شمال عراق و شامات، حکومت آل حمدان برپا بود و در جنوب آن و فلات ایران، آل بویه حکومت می کردند. این دو حکومت به همراه امارت‌های کوچکی چون بنی برید، بنی شاهین، بنی مزید و ... شیعه اثناعشر بودند و در رونق حوزه‌های علمیه قم و ری و به خصوص بغداد، بسیار تلاش می کردند. این دو دولت، اولین شیعیان اثناعشر بودند که حکومت سیاسی گسترده‌ای تشکیل داده بودند و در برگزاری شعارهای مذهبی شیعه و حمایت از آنان در مقابل متعصبین اهل سنت، تلاش گسترده‌ای می کردند.^۹

در چنین اوضاع و احوالی، طبیعی است که پرداختن به اصل موضوع مهدویت و امام مهدی علیه السلام یکی از دغدغه‌های مهم عالمان شیعه و حتی اهل سنت باشد که روایات فراوانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده بودند. به همین دلیل بعد از آغاز غیبت صغری، در حوزه بغداد، تألیفات بسیاری پدید آمد که در این مقاله سعی می شود به بیشتر این آثار اشاره شود. هرچند تعیین تاریخ دقیق این آثار و ریز موضوع برخی از آنها، به دلیل نبود منابع، دشوار و حتی ناممکن است، از این رو سعی شده تا نام کتاب‌ها تا حد امکان به ترتیب سال وفات مؤلفان تنظیم گردد:
۱. /الغیة، تألیف ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق احمدی نپاوندی.

نجاشی وی را ضعیف شمرده^{۱۰} و برخی نیز گفته‌اند که او در بغداد ادعای نیابت امام مهدی علیه السلام را می کرده و در کتاب خود به نام /الغیة، دیدگاه غالیان را منعکس نموده است.

۲. صاحب الزمان، تألیف ابوالعباس متوفای ۲۷۵ قمری.

وی از ندیمان متوکل و قاضی صمیره بود و به این دلیل به «صمیری» نیز مشهور است. این ندیم حدود چهل تألیف به وی نسبت می‌دهد که یکی از آنها کتاب صاحب الزمان است.^{۱۱}

۳. جمع الاحادیث الواردة فی المهدی، نوشته ابوبکر خیمه (احمد بن زهیر سنائی) متوفای ۲۷۹ قمری.^{۱۲}

۴. الغیة و الحيرة، اثر عبدالله بن جعفر حمیری.

وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام است. این دانش‌مند شیعی از عالمان بزرگ حوزه علمیه قم در قرن سوم هجری بود که در سال ۲۹۱ قمری به عراق مهاجرت کرد و با استقبال گرم عالمان آن سامان روبه‌رو گشت. از تاریخ وفات وی اطلاع دقیقی نداریم، ولی به احتمال قوی قبل از آغاز قرن چهارم وفات کرده است. از دیگر آثار وی در باب مهدویت می‌توان به دو تألیف اشاره کرد:

۵. قرب الاسناد الی صاحب الامر.

۶. التوقيعات یا المسائل و التوقيعات.

شیخ طوسی در کتاب فهرست خود بعد از توثیق وی می‌نویسد: عبدالله حمیری کتاب‌های متعددی نوشته که یکی از آنها المسائل و التوقيعات است. هم‌چنین از ابن بطله نقل می‌کند که کتاب الفتره و الحيرة نیز از نوشته‌های حمیری است و کتاب سوم وی در زمینه مهدویت الغیة است. بنابراین از دیدگاه شیخ الطائفة، حمیری سه اثر در موضوع مهدویت نوشته است^{۱۳} و ممکن است که کتاب‌های الغیة و الحيرة و الفتره و الحيرة و الغیة سه عنوان برای یک کتاب باشند، اما اگر هر کدام از این اسم‌ها را عنوان کتابی بدانیم، تعداد تألیفات وی پنج عدد می‌شود.

۷. انساب الاثمة و موالیدهم الی صاحب الزمان، تألیف شریف ناصر کبیر حسن بن علی بن حسن بن علی.

وی از احفاد امام سجاد علیه السلام بود و مرحوم کلینی نیز از وی نقل قول کرده است.^{۱۴}

۸. الفتن و الملاحم، تألیف سلیل بن احمد بن عیسی.

وی که سنی‌مسلم بوده، این کتاب را در سال ۳۰۷ قمری نوشته است.^{۱۵} اصحاب تراجم وی را از شاگردان ابن جریر طبری، مؤلف تاریخ طبری دانسته‌اند.^{۱۶}

۹. اخبار القائم، تألیف علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان رازی کلینی.

وی معروف به علان و دایی ثقة الاسلام کلینی بود.^{۱۷} نجاشی ضمن توثیق و ستایش او می‌نویسد: «علان به واسطه نواب خاص، از امام زمان علیه السلام اجازه خواست تا به حج مشرف شود. از ناحیه مقدسه توفیق آمد که امسال نرو، ولی وی حرکت کرد و در راه به دلیل حمله لشکریان قرامطه به کاروان حاجیان، کشته شد.»^{۱۸}

۱۰. الغیة و کشف الحيرة، تألیف محمد بن احمد بن عبدالله بن قضاة بن صفوان.

در دوره نواب خاص، علاوه بر اهل سنت که مخالفان سنتی امام بودند و واقفیه که بر موعود بودن امام کاظم علیه السلام اصرار داشتند، گروه سومی نیز با شیعه اثناعشر مخالفت کردند. این گروه که مدعیان نیابت و سفارت بودند، منکر امامان معصوم علیهم السلام نبودند، بلکه خود را نایب و سفیر امام دوازدهم، معرفی می‌کردند و عده‌ای از شیعیان را فریب می‌دادند و همراه می‌کردند.

وی معروف به صفوانی^{۱۹} و از شاگردان مرحوم کلینی است و از شخصیت ممتازی در میان شیعیان برخوردار بوده است. او در مسئله امامت با قاضی شهر موصل مباحله کرد و همان دست قاضی که با آن مباحله کرده بود، فلج و کبود شد و فردایش نیز بر اثر آن مرد. این واقعه موجب ارتقای جایگاه و شخصیت صفوانی در میان فرمان‌روایان و شیعیان شد.^{۲۰}

۱۱. الشفاء و الجلاء فی الغیبة، تألیف احمد بن علی رازی خضیب ایادی.

وی از عالمان اوایل قرن چهارم بوده و متهم به غلو است.^{۲۱}
۱۲. الغیبة، تألیف محمد بن علی بن ابی‌العزاقر شلمغانی، معروف به ابن ابی‌العزاقر.^{۲۲}

وی هم‌چنین کتاب دیگری به نام فضائل العمریین دارد.^{۲۳} که درباره عثمان بن سعید عمری و محمد بن عثمان بن سعید عمری نوشته است. این شخص بعدها منحرف شد و به غلو دچار گشت. به همین دلیل ناحیه مقدسه او را مورد لعن قرار داد.^{۲۴} و بعد از این که شیعیان وی را طرد کردند، الراضی بالله، خلیفه عباسی، حکم دست‌گیری او را صادر نمود و در سال ۳۲۳ قمری به قتل رسید.^{۲۵}

۱۳. الامامة و التبصرة من الحيرة، تألیف علی بن حسین بن بابویه متوفای ۳۲۹ قمری.

وی پدر شیخ صدوق،^{۲۶} از بزرگان حوزه علمیه قم بود که با حوزه بغداد و نواب خاص امام مهدی علیه السلام ارتباط گسترده‌ای داشت. در دوره ایشان و فرزندش شیخ صدوق و هم‌چنین ثقة الاسلام کلینی، حوزه قم استقلال خود را اندکی از دست داده و به دلیل حضور نمایان امام زمان علیه السلام در بغداد، تابع حوزه بغداد شده بود.

۱۴. الغیبة و کشف الحيرة، تألیف سلامه بن محمد بن اسماعیل ارزنی یا ازونی.^{۲۷}

وی ساکن بغداد بود و علی بن حسین بابویه از وی روایت نقل کرده و می‌توان او را از مشایخ ابن‌بابویه به شمار آورد. کتابش را بعد از کتاب علی بن حسین بابویه ذکر کردیم؛ چون ده سال بعد از ابن‌بابویه، در سال ۳۳۹ قمری، در بغداد درگذشت^{۲۸} و از لحاظ تاریخ وفات متأخر از ابن‌بابویه است.

۱۵. الملاحم، نوشته علی بن حسن بن قاسم یشکری خزاز

کوفی معروف به ابن‌طبال.

در مورد تاریخ حیات وی این اندازه می‌دانیم که تلکبر، در سال ۳۲۹ قمری، در کوفه از وی، حدیث شنیده، ولی از تاریخ وفاتش اطلاعی نداریم.^{۲۹}

۱۶. الغیبة، تألیف ابوبکر بغدادی محمد بن قاسم.

وی با ابن‌همام که در سال ۳۳۲ قمری وفات کرده، هم‌عصر بوده است، ولی از تاریخ دقیق وفاتش خبر نداریم.^{۳۰}

۱۷. الملاحم، تألیف احمد بن جعفر بن محمد معروف بن ابن‌المنادی.

مؤلف ساکن منطقه رصافه بغداد بوده است. تاریخ ولادت وی را سال ۲۵۶ یا ۲۵۷ قمری دانسته‌اند و در سال ۳۳۶ قمری نیز درگذشته و در مقبره خیزران، نزدیک محله رصافه بغداد، دفن شده است. این شخص از عالمان اهل سنت و مورد توثیق آنان بوده و کتاب خود را در سه بخش عمده «الفتن»، «الملاحم» و «الزیادات فی الفتن و الملاحم»، جمع‌آوری کرده و از امام مهدی علیه السلام حسنی، سفیانی، دجال، دابة الارض، یأجوج و مأجوج و دیگر علایم ظهور به تفصیل سخن گفته است. در بخش مربوط به امام مهدی علیه السلام احادیثی درباره نام آن حضرت، تعداد یاران و جنگ‌های ایشان با لشکر شام و... نقل کرده است. کتاب وی را انتشارات دارالسیره قم، در سال ۱۴۱۸ قمری چاپ کرده است.

۱۸. الغیبة و ذکر القائم، تألیف حسن بن محمد بن یحیی بن حسین معروف به ابن‌اخی طاهر.^{۳۱} (متوفای ۳۵۸ قمری) نام وی در اکثر کتاب‌های رجالی ذکر شده، ولی برخی وی را تضعیف کرده‌اند.^{۳۲}

۱۹. الغیبة، تألیف حسن بن علی بن عبدالله طبری معروف به مرعش.^{۳۳}

وی در سال ۳۵۶ قمری، به بغداد مهاجرت کرد و در سال ۳۵۸ قمری نیز وفات یافت. نجاشی که با یک واسطه از شاگردان اوست، وی را ستوده است.^{۳۴}

۲۰. الاشیة فی معانی الغیبة، دومین تألیف مرعش در باب مهدویت است.^{۳۵}

۲۱. الغیبة، تألیف ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی، معروف به ابن ابی‌زینب.

این کتاب هم به لحاظ ویژگی‌های خاص خودش و هم به لحاظ شخصیت مؤلف، از جایگاه بلندی برخوردار است. نکته مهم در زندگی نعمانی، مسافرت‌های متعدد او به مناطقی چون شیراز، طبریه، شام، حلب و... است. وی که در حوزه بغداد شاگرد و کاتب ثقة الاسلام کلینی بود، با مسافرت به مناطق مختلف از دست‌آوردهای سایر حوزه‌های علمی نیز برخوردار شد. همین امر باعث گشت تا کتاب وی دارای جامعیت ویژه‌ای باشد. از استادان قمی او می‌توان به ابوالقاسم موسی بن محمد اشعری قمی، ثقة الاسلام کلینی اشاره کرد. هم‌چنین در طبریه از عبدالله بن عبدالملک بن سهل طبرانی و محمد بن عبدالله طبرانی، درس آموخته و در بغداد نیز شاگرد سلامة بن محمد بن اسماعیل ارزنی و محمد بن سهیل اسکافی بوده است.^{۳۶}

در معرفی کتاب الغیبة نعمانی می‌توان گفت، مؤلف در این کتاب ابتدا نصوصی را در اثبات امامت امام مهدی (عج) ذکر کرده، سپس احادیثی درباره این مطلب که زمین از حجت خالی نمی‌ماند، آورده است. بعد از آن روایاتی درباره غیبت امام مهدی (عج) صفات، سیره و فضائل آن حضرت و علایم ظهور و دیگر موارد مرتبط با آن امام (عج) را بیان می‌کند. وی در سال ۳۴۳ قمری، از تألیف این کتاب فراغت یافت.^{۳۷}

۲۲. کمال الدین و تمام النعمة؛ نوشته محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ قمری).^{۳۸}

این کتاب نیز از نامی‌ترین کتاب‌های نوشته شده در باب مهدویت است. مؤلف که با دعای امام مهدی (عج) به دنیا آمده بود، درباره این کتاب می‌نویسد: «صاحب الزمان (عج) در خواب به من فرمود: چرا در باب غیبت کتابی تألیف نمی‌کنی تا اندوخت را زایل سازد. عرض کردم یا بن رسول الله (ص) درباره غیبت پیش‌تر رساله‌هایی تألیف کرده‌ام. فرمود: نه به آن طریق، اکنون تو را امر می‌کنم که درباره غیبت کتابی تألیف کنی و غیبت انبیا (ع) را در آن بازگویی...»^{۳۹}

همان‌گونه که شیخ صدوق در مقدمه کتاب کمال الدین گفته، وی پیش از آن چهار رساله در زمینه مهدویت نوشته که به نام آنها اشاره می‌شود:

۲۳. الغیبة، نویسنده الدرر النعمانی تنها به نام مؤلف این کتاب، یعنی شیخ صدوق اشاره کرده است.^{۴۰}

۲۴. رساله فی غیبة الحجة.

۲۵. رساله ثانیة فی الغیبة.

۲۶. رساله ثالثة فی الغیبة.^{۴۱}

احتمال دارد کتاب الغیبة، یکی از سه رساله اخیر باشد، هرچند احتمال مستقل بودن آن نیز هست.

۲۷. اخبار الکلاء الاربعة، تألیف احمد بن محمد بن عیاش جوهری.^{۴۲}

قبل از وی شلمغانی نیز کتابی در مورد دو نایب اول و دوم امام مهدی (عج) نوشته بود.

نکته مهم در زندگی نعمانی، مسافرت‌های متعدد او به مناطقی چون شیراز، طبریه، شام، حلب و... است. وی که در حوزه بغداد شاگرد و کاتب ثقة الاسلام کلینی بود، با مسافرت به مناطق مختلف از دست‌آوردهای سایر حوزه‌های علمی نیز برخوردار شد. همین امر باعث گشت تا کتاب وی دارای جامعیت ویژه‌ای باشد.

۲۸. مختصر ما نزل من القرآن فی صاحب الزمان علیه السلام

این اثر نیز تألیف احمد بن محمد بن عیاش جوهری است.^{۳۳}

۲۹. اخبار ابی عمرو و ابی جعفر العمرین، تألیف ابونصر هبة الله بن احمد بن محمد کاتب معروف به ابن برنیه.

مؤلف نوه دختری ابوجعفر محمد بن عثمان عمری، دومین نایب خاص امام زمان علیه السلام بود و چون در سال ۴۰۰ قمری و در روز عید غدیر خم، در حرم حضرت علی علیه السلام حاضر بوده، می توان نتیجه گرفت که تاریخ وفات وی بعد از ۴۰۰ قمری بوده است.^{۳۴}

نام دیگر کتاب ابن برنیه، احوال الاسباب الاربعه یا اخبار الکلاء و یا رساله فی ترجمه النواب ذکر شده است^{۳۵} و تمیز بین این تألیف با رساله های عیاش جوهری و شلمغانی مشکل است.

۳۰. اخبار الکلاء الاربعه، تألیف ابوالعباس احمد بن علی بن عباس بن نوح سیرافی.

وی ساکن بصره و از مشایخ نجاشی بوده و بعد از سال ۴۱۰ قمری، وفات یافته است.^{۳۶}

ب) عصر شیخ مفید

دوره شیخ مفید از چند لحاظ اهمیت دارد؛ زیرا وی از اولین عالمان بزرگ شیعه بود که بعد از به سر آمدن غیبت صغری و آغاز غیبت کبری، وظیفه رهبری جامعه شیعه را بر عهده داشت. قبل از آغاز غیبت کبری، چه در زمان حضور امامان و چه در دوره غیبت صغری، امامان و نایبان خاص ایشان محل رجوع شیعیان بودند و عالمان شیعه وظیفه تصمیم گیری در امور دینی، اجتماعی و سیاسی را بر عهده نداشتند، اما با آغاز غیبت کبری و اتفاقات سیاسی و اجتماعی، به ناگاه عالمان شیعه که بعدها شیخ مفید در رأس آنها قرار گرفت، با مسئولیت سنگین رهبری و تصمیم گیری برای جامعه شیعه، روبه رو شدند. از لحاظ سیاسی شمال عراق و شامات، تحت تصرف آل حمدان بود و فلات ایران و جنوب عراق در اختیار حاکمان آل بویه قرار داشت و مذهب شیعه از نظر سیاسی و اجتماعی تمام ممالک اسلامی را فرا گرفته بود. این حوادث در حالی رخ می داد که غیبت کبری آغاز گشته و رابطه مستقیم امام زمان علیه السلام با شیعیان قطع شده بود. از سوی دیگر این سؤال بین مردم مطرح می شد که امام

زمان علیه السلام با بیش از یک قرن غیبت، چرا ظهور نمی کند و مخالفان نیز با ایجاد شبهه درباره محال بودن طول عمر امام زمان علیه السلام بر آتش فتنه می افزودند. در چنین حال و هوایی، عالمان شیعه، هم چون شیخ صدوق و شیخ مفید (متوفای ۴۱۳) که در زمان خود بزرگ حوزه قم و بغداد و بزرگ عالم شیعیان به شمار می آمدند، باید ضمن نظارت بر حدود و ثغور مکتب شیعه و تبیین آن، شبهات مخالفان را نیز پاسخ می دادند. به همین دلیل شیخ صدوق چندین رساله در موضوع غیبت نوشت. بعد از وی شیخ مفید، پرکارترین مؤلف در عرصه مهدویت بود که پس از وفاتش نیز شاگردانش راه او را در تألیف کتاب های مرتبط با مهدویت ادامه دادند. در ذیل به کتاب های وی و شاگردانش اشاره می شود:

۳۱. الجوابات.

همان گونه که از نام این رساله بر می آید، شیخ مفید در این تألیف به برخی از سؤال ها درباره مسئله مهدویت پاسخ داده است.^{۳۷}

۳۲. جوابات الفارقین.

این کتاب نیز هم چون رساله قبلی، پاسخ به سؤالاتی درباره امام عصر علیه السلام است.^{۳۸}

۳۳. جوابات المسائل العشر.

نام دیگر این کتاب الفصول العشرة یا المسائل العشرة است. شیخ مفید در این کتاب به پرسش هایی درباره وجود امام مهدی علیه السلام و شبهاتی که درباره غیبت آن حضرت وارد می شده، پاسخ می دهد.^{۳۹} از نام کتاب پیداست که در ده فصل تنظیم شده است. در فصل اول و دوم به این شبهه پاسخ داده که کسی جز شیعه نمی گوید امام حسن عسکری علیه السلام فرزند دارد. در فصل سوم توضیح می دهد که چرا امام حسن عسکری علیه السلام مادرش را وصی خود قرار داد، نه فرزندش را. در فصل چهارم، در مورد این شبهه که چرا ولادت امام دوازدهم علیه السلام مخفی است، در حالی که نام و تاریخ ولادت اجدادش آشکار بود، سخن می گوید.

شیخ مفید در فصل چهارم و پنجم، به شبهاتی در مورد خارج از عرف بودن عمر طولانی امام دوازدهم علیه السلام می پردازد و در فصول بعدی، به سؤالاتی درباره غیبت امام علیه السلام و... اشاره

می‌کند و سپس به تک‌تک آنها جواب می‌دهد.^{۵۰}

۳۴. *التقص علی الطلحی فی الغیبة*.

این کتاب را نیز شیخ مفید در جواب برخی دیگر از شبهات نوشته است.

۳۵. *الغیبة*.

این اثر شیخ مفید، *مسائل الغیبة* هم نامیده شده، ولی باید دانست که غیر از کتاب

المسائل العشرة فی الغیبة است.^{۵۱}

۳۶. *الرسائل فی الغیبة*.

این کتاب در حقیقت گزارشی از جلسه پرسش و پاسخ است که شیخ مفید به برخی سؤال‌ها در زمینه غیبت امام زمان علیه السلام جواب داده است. این تألیف بر چهار رساله مشتمل است:

رساله اول: در این رساله به این سؤال پاسخ می‌دهد که اگر خبر «من مات و لم یعرف امام زمانه» صحیح است، وجود امام زمان علیه السلام در صورتی که دست‌رس‌پذیر نباشد، چه فایده‌ای دارد؟

رساله دوم: در این رساله ادله‌ای بر وجود امام مهدی علیه السلام و فواید چنین وجودی، ذکر شده است.

رساله سوم: یکی از سؤالات مهم درباره امام مهدی علیه السلام این است که چه فرقی بین امام زمان علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام وجود دارد که همه امامان حاضر بودند، ولی امام مهدی علیه السلام غایب شدند. شیخ در رساله سوم این سؤال را پاسخ داده است.

رساله چهارم: شیخ مفید در این رساله به عدم ظهور امام مهدی علیه السلام و این که چه زمانی ایشان ظهور خواهد کرد، جواب می‌دهد.^{۵۲}

۳۷. *رسالة فی الغیبة*، تألیف سیدشریف رضی.

این کتاب را انتشارات مفید قم، چاپ کرده است.^{۵۳}

۳۸. *ذکر المهدی* علیه السلام و نعوته و حقیقه مخرجه و ثبوته.

این کتاب را حافظ ابی‌نعیم احمد بن عبدالله بن احمد اصفهانی (متولد ۳۳۴ یا ۳۳۶ قمری و متوفای ۴۳۰ قمری)^{۵۴} هم‌عصر شیخ مفید نوشته است. وی از مؤلفان پرکار اهل سنت در نیمه دوم قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است. در کشف *الظنون* نام این کتاب *کتاب المهدی* ذکر شده^{۵۵} و علی بن عیسی اربلی در کتاب *کشف الغمّة* از این کتاب بسیار سود جسته است. ابونعیم اصفهانی علاوه بر کتاب یاد شده، چند کتاب دیگر در زمینه مهدویت دارد.

۳۹. *رسالة فی اربعین حدیثاً فی امر المهدی* علیه السلام.

از دیگر تألیفات حافظ ابونعیم اصفهانی است.^{۵۶} خوانساری در *روضات الجنات* نام این کتاب را *الاربعین* ذکر کرده^{۵۷} و سیوطی نیز در *رساله العرف الوردی فی اخبار المهدی* علیه السلام خلاصه‌ای از این کتاب را آورده است.^{۵۸}

۴۰. *الفتن*.

اما با آغاز غیبت کبری و اتفاقات سیاسی و اجتماعی، به ناگاه عالمان شیعه که بعدها شیخ مفید در رأس آنها قرار گرفت، با مسئولیت سنگین رهبری و تصمیم‌گیری برای جامعه شیعه، روبه‌رو شدند.

شیخ صدوق و شیخ مفید (متوفای ۴۱۳) که در زمان خود بزرگ حوزه قم و بغداد و بزرگ عالم شیعیان به شمار می‌آمدند، باید ضمن نظارت بر حدود و ثغور مکتب شیعه و تبیین آن، شبهات مخالفان را نیز پاسخ می‌دادند.

این کتاب نیز تألیف ابونعیم اصفهانی است. سیدهاشم بحرانی در غایه المرام به این کتاب استناد کرده است.^{۵۹}
 ۴۱. المقنع فی الغیبة.

این کتاب را سیدمرتضی علم الهدی (متوفای ۴۳۶ قمری) شاگرد نامی شیخ مفید نوشته است.^{۶۰} این اثر، نخست درباره وجوب امامت و عصمت امام علی (ع) سخن گفته، سپس به مباحثی چون علت و حکمت غیبت و سبب عدم غیبت دیگر امامان علی (ع) و چگونگی اقامه حدود در عصر غیبت و همچنین علت عدم ظهور امام (ع) برای دوستان و یاران می پردازد.^{۶۱}

با آغاز غیبت کبری، شیعیان با این سؤال مهم روبه رو بودند که اولاً برنامه حکومتی شیعه در دوره غیبت امام (ع) چیست و چه کسی حق حاکمیت بر جامعه را دارد و ثانیاً شیعیان در مقابل حاکمان غیرشیعی چه واکنشی باید داشته باشند؟ برای مثال، ابن کثیر نقل می کند که آل بویه بنی عباس را غاصب خلافت می دانست و هنگامی که بغداد را فتح کردند، معزالدوله قصد داشت حکومت را به یکی از علویان بسپارد ولی به پیش نهاد یکی از مشاوران خود از این نیت سر باز زد. در حقیقت با این که قدرت در دست شیعه بود، هنوز اصل ولایت فقیه که نظریه شیعه برای حکومت در عصر غیبت است، برای عموم شیعیان تبیین نشده بود و عالمان حوزه بغداد تا اندازه های پیش رفته بودند که می گفتند اقامه حدود در عصر غیبت بر عهده فقیهان جامع الشرایط است و به رهبری فکری و عقیدتی جامعه شیعه بسنده می کردند و به حمایت از حاکمان شیعی آل بویه می پرداختند.

سید مرتضی برای پاسخ به دو سؤال فوق و تبیین چگونگی رفتار با حاکمان سیاسی، رساله العمل مع السلطان و کتاب المقنع فی الغیبة را تألیف کرد.

سید مرتضی همانند استادش شیخ مفید، به دلیل مقطع تاریخی خاص از مؤلفان پرکار در عرصه مهدویت به شمار می رود و علاوه بر کتاب مذکور، سه اثر دیگر نیز تألیف کرده است.

۴۲. الغیبة، از دیگر تألیفات سید مرتضی در ساحت اندیشه مهدویت است.^{۶۲}

۴۳. مسئله وجیزه فی الغیبة.

در کتاب الذریعة به این رساله اشاره نشده، ولی در کتاب در

جست وجوی قائم آن را از تألیفات سیدمرتضی علم الهدی به شمار آورده اند.^{۶۳}

۴۴. رساله فی غیبة الحجة.

احتمال دارد این رساله همان کتاب الغیبة سیدمرتضی علم الهدی باشد که در الذریعة به آن اشاره شده است.

۴۵. الغیبة، تألیف احمد بن محمد بن عمران بن موسی معروف به ابن الجندی.^{۶۵}

وی از عالمان اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم و از استادان نجاشی به شمار می آید.^{۶۶}

ج) عصر پراکندگی عالمان حوزه علمیه بغداد

یکی از غمناک ترین حوادث تاریخ اسلام، در نیمه اول قرن پنجم اتفاق افتاد؛ زمانی که سلجوقیان بغداد را فتح کردند و حکومت آل بویه را برانداختند. در این تاریخ، برخی از متعصبان اهل سنت که بیش از یک قرن در سایه حکومت شیعی آل بویه آرمیده بودند، به مناطق شیعه نشین و به خصوص محله کرخ بغداد حمله کردند و شیعیان را کشتند و کتابخانه های بزرگ را آتش زدند و مدارس را غارت کردند و حوزه علمیه بغداد را که وارث چندین قرن تلاش علمی اندیشه ورزان اسلامی بود، در چند روز از بین بردند. بر اثر این حوادث، برخی از دانش مندان کشته شدند و برخی دیگر فرار کردند.

در این قسمت به معرفی نگارش های پیرامون مهدویت که تربیت یافتگان حوزه بغداد پدید آوردند، ولی بر اثر تهاجم متعصبان اهل سنت از بغداد فرار کردند، اشاره می شود.

۴۶. الغیبة.

این کتاب را شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی (متوفای ۴۶۰ قمری) سیزده سال قبل از وفاتش در سال ۴۴۷ قمری،^{۶۷} هنگامی که جنگ بین سلجوقیان و آل بویه آغاز شده بود، نوشته است.

این کتاب در هشت فصل تنظیم شده است. در فصل اول بیشتر به ابطال اقوال فرقه هایی چون کیسانیه، ناووسیه، واقفیه، محمدیه و... می پردازد و در فصل دوم سخن از ولادت صاحب زمان (ع) می گوید. فصل سوم شامل اخبار دیدار کنندگان با آن حضرت است. در فصل چهارم معجزات و توقیعات امام عصر (ع) را

را معرفی کرده و در فصل پنجم نیز درباره موانع ظهور آن حضرت بحث می‌کند. فصل ششم به وکلاء و نواب خاص امام دوازدهم علیه السلام اشاره می‌کند. فصل هفتم و هشتم به مباحثی چون عمر امام مهدی علیه السلام، عدم تعیین وقت ظهور، علایم ظهور و برخی از صفات و سیره آن حضرت اختصاص دارد.^{۶۸}

۴۷. البرهان علی صحة طول عمر الامام صاحب الزمان علیه السلام

این کتاب را محمد بن علی بن عثمان کراچی نوشته و در الذریعة و اعیان الشیعة نام آن، البرهان علی طول عمر صاحب الزمان علیه السلام ذکر شده است.^{۶۹}

کراچی نیز از عالمان نامدار حوزه بغداد و شاگرد شیخ مفید و سید مرتضی بوده که با آغاز دوره سلجوقیان و ضعف دولت آل بویه، از بغداد خارج شد. مدتی در حلب، قاهره، مکه و دیگر شهرها ساکن شد و در نهایت، در سال ۴۴۹ قمری، در شهر صور وفات یافت.^{۷۰} همان‌گونه که ذکر شد، در اوایل قرن پنجم عمده شبهه مخالفان علیه شیعه این بود که نزدیک به دو قرن از غیبت امام مهدی علیه السلام می‌گذرد و طول عمر این چنینی، طبیعی نیست. عالمان شیعه برای پاسخ به این شبهه، تألیفات متعددی نوشته بودند که به برخی از آنها اشاره شد و اثر کراچی به دلیل این که پاسخ به این شبهه را محور قرار داد، از اهمیت بالایی برخوردار بود.

۴۸. الغیبة، تألیف مظفر بن علی بن حسین حمدانی.

وی از شاگردان شیخ مفید بوده و در درس سید مرتضی و شیخ طوسی هم حاضر می‌شد.

۴۹. الفرج الکبیر فی الغیبة، تألیف شاگرد شیخ الطائفة، محمد بن هبة الله بن جعفر

وزاق طرابلسی است.^{۷۱}

۵۰. مسئله فی مولد صاحب الزمان علیه السلام، تألیف ابویعلی محمد بن حسن بن حمزه

جعفری.^{۷۲}

تاریخ وفات وی را سال ۴۶۳ قمری، سه سال بعد از وفات شیخ الطائفة ذکر

کرده‌اند.^{۷۳}

برخی از متعصبان اهل سنت که بیش از یک قرن در سایه حکومت شیعی آل بویه آرمیده بودند، به مناطق شیعه‌نشین و به خصوص محله کرخ بغداد حمله کردند و شیعیان را کشتند و کتابخانه‌های بزرگ را آتش زدند و مدارس را غارت کردند و حوزه علمیه بغداد را که وارث چندین قرن تلاش علمی اندیشه‌ورزان اسلامی بود، در چند روز از بین بردند. بر اثر این حوادث، برخی از دانش‌مندان کشته شدند و برخی دیگر فرار کردند.

نتیجه

از مجموع پنجاه عنوان کتاب و رساله‌ای که به آنها اشاره شد، می‌توان چنین استنباط کرد که مهم‌ترین موضوع بحث در حوزه بغداد، چگونگی و چرایی غیبت امام زمان علیه السلام بوده است و عالمان شیعه سعی فراوانی در تبیین این موضوع داشته‌اند؛ در حالی که کتاب‌هایی که اهل سنت در این دوره تألیف کرده‌اند، بیشتر درباره احادیث مربوط به ظهور مهدی علیه السلام، علایم ظهور، ملاحم و فتن بوده است.

تکرار عبارت «الحیرة» در عناوین برخی از آثار یاد شده درباره سال‌های آغازین غیبت کبری بوده که نشان می‌دهد عالمان شیعه به تحول عظیم شیعیان در پی آغاز غیبت کبری، آگاهی و توجه داشته‌اند و برای نظارت بر اوضاع و هدایت مردم، کتاب‌هایی چون *کشف الحیرة* یا *الامامة و التبصرة من الحیرة و الغیبة* را تألیف کرده‌اند.

عنوان صاحب‌الزمان علیه السلام نیز برای شناساندن امام دوازدهم به کار می‌رفته که گویا برای اولین بار در عصر شکوفایی حوزه علمیه بغداد رواج یافته و حتی در عناوین کتاب‌ها نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

دوره حوزه بغداد، عصر آغاز شبهات در وجود امام زمان علیه السلام و چگونگی غیبت ایشان است و کتاب‌هایی مانند *المسائل* و *یا الجوابات* در حوزه بغداد برای پاسخ به این شبهات نوشته شده است. دوره شیخ مفید، این شبهات فراوان شد؛ نخستین باری که که مخالفان، شبهه طول عمر امام عصر علیه السلام را مطرح می‌کردند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



پی نوشت‌ها

۱. دکترای کلام اسلامی، پژوهشگر مرکز مطالعات حوزه و عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات مهدویت محمد بن علی بن طباطبای، تاریخ فخری، ترجمه وحید گلپایگانی، ص ۲۰۳، چاپ اول: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۶۰ شمسی.
۲. خلافت بنی امیه در سال ۱۳۲ قمری ساقط شد و در همان سال با سفاک بیعت شده بود. نک: علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۴، ص ۲۶۰ و ۲۷۷، چاپ اول: انتشارات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۱ قمری.
۳. یاقوت بن عبدالله حموی رومی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۵۷ - ۴۵۸، انتشارات دار صادر، بیروت، بی تا.
۴. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۳۹۷ - ۳۹۹، چاپ ششم: انتشارات انصاریان، قم ۱۳۸۱ شمسی.
۵. همان، ص ۴۷۷ - ۴۸۰.
۶. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه دکتر سید محمد تقی آیه اللهی، ص ۱۵۵ - ۱۵۶، چاپ اول: انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۷ شمسی.
۷. هاشم معروف الحسنی، زندگی دوازده امام علیهم السلام، ترجمه محمد مقدس، ج ۲، ص ۵۶۴ - ۵۶۹، چاپ چهارم: انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۲ شمسی.
۸. همان، ص ۵۷۰.
۹. نک: علی اصغر فقیهی، آل بویه، ص ۴۵۰ - ۴۸۵، چاپ سوم: انتشارات چاپخانه دیبا، قم ۱۳۶۶ شمسی.
۱۰. احمد بن علی نجاشی اسدی، رجال نجاشی، ص ۱۹، چاپ هفتم: انتشارات مؤسسة النشر الاسلامی، قم ۱۴۲۴ قمری؛ محمد بن حسن طوسی، الفهرست طوسی، ص ۱۶، چاپ دوم: انتشارات مؤسسه نشر الفقاهه، قم ۱۴۲۲ قمری.

۱۱. نک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۶۹.
۱۲. سید مجید پورطباطبایی، در جست و جوی قائم، ص ۳۸، چاپ اول: انتشارات آستان مقدس صاحب الزمان، قم ۱۳۷۰ قمری.
۱۳. نک: شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۶۸.
۱۴. محمد بن علی اردبیلی غروی، جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۰۹، انتشارات مکتبه آیة الله مرعشی، قم ۱۴۰۳ قمری.
۱۵. الذریعة، ج ۱۲، ص ۲۰۶.
۱۶. همان، ج ۱۶، ص ۱۱۲.
۱۷. همان، ج ۱، ص ۳۴۵.
۱۸. نک: رجال نجاشی، ص ۲۶۱؛ سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۳۲۶، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات، بیروت ۱۴۰۶ قمری.
۱۹. الذریعة، ج ۱۶، ص ۸۴.
۲۰. حسن بن علی بن داود حلی، کتاب الرجال، ص ۱۶۳، انتشارات المطبعة الحیدریة، نجف ۱۳۹۲ قمری؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۶۱.
۲۱. رجال نجاشی، ص ۹۷؛ جامع الرواة، ص ۵۴.
۲۲. الذریعة، ج ۱۶، ص ۸۰.
۲۳. همان، ص ۲۶۱.
۲۴. نک: پورسیدآقای و دیگران، تاریخ عصر غیبت، ص ۳۲۱ - ۳۲۳، چاپ دوم: انتشارات حضور، قم ۱۳۸۳ شمسی.
۲۵. نک: محمدحسین حسینی جلالی، فهرس التراث، ج ۱، ص ۳۵۳ - ۳۵۴، چاپ اول: انتشارات دلیل ما، قم ۱۴۲۲ قمری.
۲۶. این کتاب را مدرسه الامام مهدی علیه السلام در سال ۱۳۶۳ شمسی چاپ کرده است.
۲۷. الذریعة، ج ۱۶، ص ۸۳.
۲۸. جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۷۰.
۲۹. الذریعة، ج ۲۲، ص ۱۸۸؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۵۷۲.
۳۰. رجال نجاشی، ص ۳۸۱.
۳۱. همان، ج ۱۶، ص ۸۳.
۳۲. مصطفی حسینی تفرشی، نقد الرجال، ص ۹۹، انتشارات الرسول المصطفی، قم، بی تا؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۲۶.
۳۳. الذریعة، ج ۱۶، ص ۷۶.
۳۴. رجال نجاشی، ص ۱۶۴؛ الذریعة، ج ۱۶، ص ۷۶.
۳۵. همان؛ در جست و جوی قائم علیه السلام، ص ۲۸.
۳۶. در مورد زندگانی وی مراجعه شود به: معالم العلماء، شماره ۷۸۳؛ محمد حرز عاملی، اسل الأمل، ج ۲، ص ۲۳۲، ش ۹۱؛ محمدباقر خوانساری، روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۲۷؛ محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۶۰.
۳۷. نک: محمد بن ابراهیم کاتب نعمانی، الغیبة، چاپ اول: انتشارات انوار الهدی، قم ۱۴۲۲ قمری.
۳۸. در جست و جوی قائم علیه السلام، ص ۲۸.
۳۹. نک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ترجمه منصور پهلوان، ج ۱، ص ۴ - ۷، چاپ دوم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۸۲ شمسی.
۴۰. الذریعة، ج ۱۶، ص ۸۰.
۴۱. همان، ص ۸۳.
۴۲. همان، ج ۱، ص ۳۵۳.
۴۳. معالم العلماء، ص ۲۰.
۴۴. رجال نجاشی، ص ۴۴۰.
۴۵. الذریعة، ج ۱، ص ۳۰۴.
۴۶. رجال نجاشی، ص ۸۶ - ۸۷؛ الذریعة، ج ۱، ص ۳۵۳.
۴۷. الذریعة، ج ۵، ص ۲۰۹.
۴۸. همان.
۴۹. همان، ص ۲۲۸ و ج ۱۶، ص ۸۱ و ۲۴۱.
۵۰. نک: شیخ مفید، الفصول العشرة في الغیبة، چاپ اول: انتشارات مؤسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، قم، بی تا.
۵۱. الذریعة، ج ۱۶، ص ۸۰ و ج ۲۰، ص ۳۶۱.
۵۲. نک: شیخ مفید، الرسائل في الغیبة، انتشارات دارالمفید، بیروت، بی تا.
۵۳. در جست و جوی قائم علیه السلام، ص ۴۵.
۵۴. مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۴۶۵، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۵۵. همان.
۵۶. الذریعة، ج ۱۱، ص ۵۰.
۵۷. روضات الجنات، ج ۱، ص ۲۷۲ - ۲۷۳.
۵۸. کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۱۳۲.
۵۹. الذریعة، ج ۱۶، ص ۱۱۲.
۶۰. همان، ص ۷۷ - ۸۲.
۶۱. نک: سید مرتضی، المقنع في الغیبة، چاپ اول: انتشارات مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم ۱۴۱۶ قمری.
۶۲. الذریعة، ج ۱۶، ص ۷۷ و ۸۲.
۶۳. در جست و جوی قائم علیه السلام، ص ۶۴.
۶۴. همان، ص ۴۵.
۶۵. الذریعة، ج ۱۶، ص ۷۵.
۶۶. جامع الرواة، ج ۱، ص ۹۹؛ نقد الرجال، ص ۳۰۳؛ رجال ابن داود، قسم اول، ش ۱۱۹، ص ۴۴.
۶۷. الذریعة، ج ۱۶، ص ۷۹.
۶۸. نک: محمد بن حسن طوسی، الغیبة، چاپ اول: انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم ۱۴۲۵ قمری.
۶۹. الذریعة، ج ۳، ص ۹۳؛ اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۴۰۰.
۷۰. امل الأمل، ج ۲، ص ۲۸۷.
۷۱. الذریعة، ج ۱۶، ص ۸۲.
۷۲. همان، ص ۱۵۶.
۷۳. اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۴۳۱.